



در حال افزایش است و در حقیقت هم عملی که اینگونه افراد انجام میدهند در این نوشته مورد توجه است .
یکی از تعاریفی که میتوان برای مشاوره کرد ، بطوریکه برای همه افراد قابل فهم باشد ، اینستکه گفته شود مشاوره فرآیندی است که بکمک آن میتوان با افراد در اتخاذ تصمیم یاری داد تا آنان بفهمند چه عملی را باید انجام دهند و از انجام چه عملی باید اجتناب ورزند . یکی از مشکلات زندگی هر انسان مساله انتخاب کردن است و انتخاب کردن همیشه با آزادی مقرون است . بعبارت دیگر تا آدمی آزاد نباشد نخواهد توانست از دوشینی ، دو مفهوم ، و یا دو فرد یکی را انتخاب کند و بیشتر اوقات هم انتخاب کردن با درد و رنج توأم است . یک ضرب‌المثل در زبان

کلمات مشاوره و راهنمایی جزو آنسته از کلماتی هستند که همه ما با آنها آشنائی داریم ولی تعجب در اینستکه هیچ فردی از ما آنها را بیک معنی معین و دقیق بکار نمیبرد و در زندگی روزمره مورد استفاده قرار نمیدهد . این کلمات را روان‌شناسان ، علمای تعلیم و تربیت ، و یا مددکاران اجتماعی اختراع نکرده‌اند بلکه اینها قسمتی از زبان محاوره‌ای ما را تشکیل میدهند و فعالیتی را که توضیح میدهند در شمار فعالیت‌های روزانه زندگی ماست . در حال حاضر با تغییرات و تحولات شگرفی که در زمینه زندگی اجتماعی انسانها در همه جوامع بشری بوقوع پیوسته است لفظ مشاوره و راهنمایی شغلی و تربیتی بطور روز افزون مورد استفاده قرار گرفته است و تعداد افرادی که نام خود را مشاور راهنما گذاشته‌اند

- ۱ - انتخاب شغل مناسب با استعداد فرد
- ۲ - انتخاب همسر
- ۳ - تربیت فرزندان که ثمره همسرگزینی است .

در بین این سه وظیفه، شاید مهم‌ترین آنها همان وظیفه اول باشد زیرا تافرودارای شغل مناسبی نباشد که بتواند بکمک آن بزندگی مادی و اقتصادی خود سر و صورتی دهد قادر نخواهد بود اختیار همسر نماید و وسایل تعلیم و تربیت فرزندان احتمالی خود را فراهم سازد . و نوجوانانی که امروز بمرحله انتخاب شغل رسیده‌اند، در وضعیتی قرار گرفته‌اند که بمراتب مشکلتر و پیچیده‌تر از وضع پدران و پدربزرگان آنان در دوره‌های گذشته میباشد . امروز چنین نوجوانی باید تصمیم بگیرد که شغلی مناسب را از میان هزاران شغل مختلف که شاید تعداد آنها بیشتر از چهل هزار است انتخاب کند . البته هیچ نوجوانی نمیتواند درباره همه این مشاغل گوناگون اطلاعاتی داشته باشد و هیچ مشاوره‌ای هم قادر نیست اطلاعات کافی و وافی را درباره هر شغل در اختیار او گذارد و همیشه فرد در بین سه یا چهار شغل، که غالباً آشنائیش با آنها بیشتر است ، جهت انتخاب یکی مردد میماند و زنان و مردانی هم که پس از اتخاذ تصمیمی بدینگونه در مراحل بعدی نسبت بشغل انتخابی خود گرفتار و سوسه و پشیمانی شده‌اند تعدادشان انگشت شمار نیست . هر یک از ما با مطالعه زندگی آشنایان نزدیکمان میتوانیم بشاهد مثالهای زنده‌ای از این افراد برخورد کنیم که پس از اینکه سالهای جوانی خود را در شغلی گذرانده‌اند در سیانه راه زندگی در دل هنوز حسرت احرارز مشاغل دیگری را دارند و مدام بخود نفرین میفرستند که اگر بجای وارد شدن در قلمرو این شغل، براه دیگری رفته بودند زندگی سرفه‌تر و شایسته‌تری را میتوانستند داشته باشند .

آلمانی میگوید: کسیکه آزادی انتخاب دارد شخص معذبی است زیرا برای اینکه چیزی را بر چیز دیگری ترجیح دهد باید رفیع‌تر و شایسته‌تر و مقایسه را تحمل نماید . گرچه بیشتر اوقات انتخاب کردن سهولت صورت میگیرد و ناراحتی بعدی در پی ندارد ولی گاهی هم آدمی در اثر انتخاب دچار تردید میشود و مداومت یافتن این تردید است که ذهن فرد را دچار تعارض میکند . مساله اخیر را بهتر از هر کس « کورت لوین » (۱) روان‌شناس آلمانی الاصل که قسمت اعظم زندگی علمی خود را در آمریکا گذرانده مورد بررسی قرار داده است .

بحث درباره نظرات « لوین » از حوصله این نوشته بیرون است ولی در اینجا بطور خلاصه باید افزود که بیشتر در سوار دپکه ذهن فرد گرفتار تعارض شده است نیاز بوجود مشاور و راهنما احساس میشود و مالا وظیفه مشاور هم چیزی جز این نیست که با اتکاء به امکانات و عواملی که در بروز تعارض دخالت داشته‌اند بفرد در اتخاذ تصمیم عقلانی و سالم یاری کند .

بطور کلی مساله مشاوره و راهنمایی مطلب جدیدی نیست که زائیده احتیاجات دوران ما باشد بلکه در طول تاریخ زندگی انسانها و در هر عصری مشاوران و راهنمایانی بوده‌اند که بتوده مردم هنگام گرفتار شدن، در تنگنای انتخاب، جهت اخذ تصمیم مناسب یاری میکرده‌اند و اکنون در قرن بیستم در حقیقت ما دنباله کار همان افراد را منتهی با سلوبی علمی‌تر انجام میدهم و این واقعیتی است که امروز نیاز بشورت کردن و راهنمایی شدن زیاد تر از هر دوره دیگر بچشم می‌خورد بخصوص در زمینه انتخاب شغل و تعیین خط مشی زندگی آینده .

آلفرد آدلر، بانی و مؤسس روان‌شناسی فردی برای هر فرد در طی زندگی سه وظیفه اصلی و مهم قائل است :



سال یک علوم انسانی

یک وقت بود که پدران خانواده فرزندان خود را مجبور میکردند تاراه خود آنان را ادامه وروی همین اصل، سالهای درازی بود که مشاغل معینی در دست طبقات و افرادی معین بود بطوریکه فرزندان خانواده های متعین و ثروتمند جهت انجام کارهایی در سطح بالای جامعه تربیت میشدند، هر چند هم که بی استعداد بودند، و فرزندان طبقات فقیر و زحمتکش در عین برخورداری از هوش و استعداد کافی مجبور بودند تن باحراز مشاغل پست تری دهند. در حالیکه امروز با گسترش همه جانبه، امکانات تربیتی آزادی انتخاب شغل در پیش روی هر فردی گسترده شده است و مالا وسیله انتقال از یک طبقه اجتماعی بطبقه

بالاترین و نحو بازی در دسترس همه قرار گرفته است. در اجتماع خودماری آوردن روز افزون جوانان بسوی دانشگاهها و مدارس عالی و کوشش وجدیت جهت ورود بدانها تنها بوسیله داشتن معلومات بیشتر و هوش زیادتیر بهترین دلیل این مدعاست و بوجود آمدن سیستم جدید آموزش و پرورش و قرار دادن دوره راهنمایی بین تحصیلات ابتدائی و تحصیلات متوسطه، بمراساس نیازست که نوجوانان در این سنین احتیاج بیشتری به نقد استعدادات و ذاتیات خود دارند تا موفقتر بتوانند رشته تحصیلی آینده خود را

انتخاب کنند و در تشخیص راه زندگی دچار لغزش و سردرگمی کمتری شوند .
نتیجه تحقیقی که در یکی از سمسترهای تحصیلی پیش، توسط یکی از دانشجویان درس روان‌شناسی نوجوانی انجام گرفته نشان می‌دهد که احراز مشاغلی بالاتر و بهتر از مشاغل پدری و خانوادگی، برای دانش آموزانیکه در دوره راهنمایی، تحصیل می‌کرده‌اند نیازی بصورت ایده‌آل بود، است بطوریکه در این تحقیق هیچ دانش آوزی حاضر نشده بود شغلی معادل یا پایتینتر از شغل پدری درآینده برای خود انتخاب کند .

بهرصورت وجود عدهٔ بیشمار نوجوان یا سوابق تحصیلی، خانوادگی، اجتماعی مختلف در آسوزشگاهها و دانشگاههای ما، که تعداد آنان روزانه در حال افزایش است تا نیاز سیراب شدن فرهنگي مارامیسر سازند، مساله مشاوره و راهنمایی را در اجتماع مابطور حادتری مطرح ساخته است . دانش آوز باید از میان درسهای متنوع، آن رشته‌هایی را انتخاب کند که بهتر درآینده بتوانند جوابگوی استعدادات و خواستهای او باشند و دقیقتر یا طرحی مخصوص که او برای زندگی بعدی خویش در ذهن ترسیم کرده است قابل تطبیق باشد و برای اینکه دراینتکارهم موفق باشد لازم است در اول، آن طرح مخصوص را انتخاب کرده باشد گویانکه عوامل متعددی ترسیم چنین طرحی را دچار اشکال میکنند . برای مثال تضادهاییکه بین نگرش نوجوان و نگرشهای خانوادگی او بر سر انتخاب شغل وجود دارد از جمله این عوامل بشمار میرود . از طرف دیگر تطبیق دادن خود، با فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه مدرسه و در عین حال بانجام رسانیدن تکالیف درسی و آماده شدن جهت شرکت در امتحانات برای نوجوان، دوره استحاله درگیریهای عاطفی عظیمی ایجاد

میکند و راه خروج از این بن بست‌های فکری را مشکلتر می‌سازد . و در تحت چنین شرایطی است که نیاز بوجود مشاورین و راهنمایان دلسوز و صمیمی جهت کمک کردن بنوجوانان بیشتر احساس میشود ، مشاورینی که بتوانند با تجزیه و تحلیل عوامل و امکانات محیط‌زیستی نوجوان، بحل پیچیدگیهای زندگی نوین نسل حاضر به پسران و دختران نوجوان یاری دهد بطور کلی والدین ، معلمین ، و یا رفقای صمیمی بخاطر داشتن مناسبات بسیار نزدیک بیشتر اوقات از تشخیص ناراحتیها و سردرگمی‌های روانی نوجوانان عاجز میباشند در حالیکه مشاوران ما ، که برای همین منظور تربیت شده است ، بانظر تیزبین و موشکاف و بر اساس تجربیات قبلی خود، بهتر قادر است زندگی عاطفی نوجوانان و نابسامانیهای آنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد .

عامل دیگری که موجب گسترش یافتن هرچه بیشتر حرفه مشاوره و راهنمایی شده است وضع زندگی اجتماعی انسانها در قرن حاضر است که عده‌ای از فلاسفه و نویسندگان بدان «قرن اضطراب» لقب داده‌اند . تغییرات و تحولات شگرف و ناگهانی که درسالهای اخیر بر زندگی انسانها سایه افکنده است موجب سردرگمی‌ها و نابسامانیهای شدیدی شده است که «بشر تنها» از روبرو شدن با آنها در هراس است . گرچه ثابت کردن این مساله که مشکلات اجتماعی قرن کنونی، نسبت بدوره‌های گذشته زیادتر شده است بسیار دشوار است ولی شک نیست که با گسترش تمدن و تحت تأثیر قرار گرفتن جوامع مصرف‌کننده توسط اجتماعات تولیدکننده ، بخصوص در اینگونه جوامع مسائل و مشکلات جدیدی ایجاد شده است که در دورانهای گذشته بهیچوجه از آنها اثری نبوده است . در بیشتر اینگونه جوامع در طی سالهای قرن اخیر مناسبات فردی ، از جمله

روابط زنان و مردان ، دستخوش تغییرات جهشی قرار گرفته و در نتیجه شکل زندگی خانوادگی را دچار دگرگونی ساخته است . بهمان اندازه که از نسبت مرگ و میر کاسته شده است بر تعداد افراد خانواده‌ها افزوده شده است و مساله تراکم جمعیت خانواده‌ها و مالا جوامع را با مشکلاتی حیاتی روبرو ساخته است . از این گذشته مساله طلاق که بطور روزافزون موجب از هم پاشیدن خانواده‌های زیادتری میشود کودکان اینگونه خانواده‌ها را باترس تنهایی و محرومیت از نوازش پدر و مادری مواجه ساخته است و در نتیجه سیر سالم زندگی عاطفی آنان را مختل ساخته است و بالاتر از همه اینها ، ترس از بروز جنگ و استفاده از قدرت اتمی که چون شبحی مخوف بر محیط زیست بشریت بطور اعم سایه افکنده است بذراضطراب دائمی رادر سزعه اندیشه همه افرادی که نسبت بسر نوشت خود علاقمندند پاشیده است و اکثر آنان را گرفتار امراض عصبی و ناراحتیهای روانی مختلف ساخته است . همه این مسائل رویهم موجب شده است که نیاز بدرددل کردن و عقده دل‌گشودن زیادتر احساس شود و بر مقام و منزلت مشاورین تربیت شده افزوده گردد مشاورینی که وظیفه اصلیشان کمک کردن بانسانهای تنهای قرن بیستم است . خواه این مشاوره در کلینیک‌های تربیتی کودک انجام گیرد یا توسط مشاورین امر ازدواج صورت پذیرد و یا در مدارس وسیله مشاورین و راهنمایان تحصیلی بعمل آید .

یکی دیگر از عواملی که لزوم سرویسهای مشاوره را تأکید میکند کاهش یافتن احساسهای مذهبی اصیل در وجود انسانها و بی تفاوت شدن روزافزون آنان در برابر مذهب است . کلمه انگلیسی Religion که ریشه لاتین دارد معنیش برقراری مناسبات است ، مناسباتی که

یکطرف آن انسان و طرف دیگرش قدرتهای مافوق طبیعی است . اعتقاد بیک اصول مذهبی موجب میشود که شخص معتقد در درون خود احساس یکتوع سکون و آرامش کند و نسبت بوقایعی که در محیط زندگی سبگذرد بانظری غیر پرخاشجویانه بنگرد و مالا از شدت درگیریهای خود با عواملی که دور از دسترس او هستند بکاهد . شاید در قرن حاضر هیچ ستفکری بهتر از «یونگ» روانکاو سوییسی لسزوم داشتن عقیده مذهبی را در زندگی انسانهایمان نکرده باشد و همین علاقه مذهبی شدید هم بود که موجب شد یونگ بنویشتن کتاب روان‌شناسی مذهب اقدام کند ، اثریکه فروید را وادار ساخت جمله معروفش را درباره او اظهار کند که : «یونگ روان‌شناس بزرگی بود اگر ادعای پیغمبری نمیکرد» . دورشدن از معتقدات مذهبی در واقع معنیش تنها شدن در برابرشاند و مشکلات زندگی است و وشک نیست که هرچه بر حجم مشکلات افزوده شود نیاز باسر مشاوره زیادتر احساس میگردد .

عقیده مذهبی اگر کور کورانه بوجود نیامده باشد و همانطور که اسلام آنرا توصیه کرده است بر اساس تفکر و اندیشه اتخاذ شده باشد سنگری است که ازواج متزلزل را در خود از شرو و سوسه‌های شیطانی در امان میدارد ، و سوسه هائیکه سوجد سردرگمی‌های فردی در زندگی اجتماعی است .

در مشاوره و راهنمایی بظور کلی دو قلمرو مجزا از یکدیگر بچشم میخورد : یکی مشاوره شغلی دیگری مشاوره روانی . مشاوره شغلی بصورت کنونی دارای دو تاریخچه متفاوتست . نخست انتشار کتابی تحت عنوان : شغلی انتخاب کنید» (۱) در سال ۱۹۰۶ توسط «فرانک پارسون» است که در واقع نقطه شروع این جنبش است .

بقیه در صفحه ۵۴

همین تکنیکها در بیشتر مؤسسات صنعتی و کارخانهها استفاده شد و در نتیجه مساله نقد استعدادات فرد جنبه علمی بیشتری بخود گرفت و مشاوره شغلی بصورت یک رشته تخصصی درآمد .

قلمرو دیگری که در زمینه مشاوره بوجود آمد همانطور که ذکر شد مشاوره روانی بود که شروعی را میتوان با انتشار کتاب « کلیفورد بر » تحت عنوان « ذهنی که خودش را باز یافت » دانست (۱) ، که در سال ۱۹۰۸ منتشر گشت . در این کتاب « بیرز کوشیده است تا توجه مردم را نسبت به بیماریهای روانی بعنوان یک تجربه شخصی و یک مشکل اجتماعی جلب نماید . بر اساس کار او مؤسسات زیادی در آمریکا بوجود آمد و کار انتشار کتب دیگری از این قبیل بالا گرفت و مردم ب فکر معالجه و پیشگیری اینگونه ناراحتیها افتادند . و تقریباً در همین دوره بود که تکنیک روانکاوی توسط فروید و سایر همکاران نزدیکش بوجود آمد که بررسی اختلالات عاطفی را وجهه همت خود ساخته بود . و از این تاریخ بود که بیماران عصبی شروع کردند موجبات بروز بیماری را در وجود خود کشف کنند . موازی با این ، ریشههای اصلی بزهکاری و بیماریهای روان - تنی بعنوان اختلالات زندگی عاطفی مشخص گردید و روانکاوی در لباس یک تکنیک معجزه گر کوشید تا انسانها را از چنگ اینگونه ناراحتیها و بیماریهارهائی دهد .

نقطه اوج این تکامل سالهای ۱۹۴۰ بود . اگر در طول جنگ اول مساله سنجش استعدادات ذاتی و هوشی مطرح و مورد قبول توده مردم قرار گرفت در طی جنگ دوم اذهان عمومی متوجه این مساله شد که ناراحتیهای عصبی و اختلالات عاطفی قابل علاج و پیشگیری هستند . در این فاصله

«پارسون» بطور جدی تحت تأثیر نیاز یک اجتماع صنعتی قرار گرفته بود و میکوشید تا بجوانان نظر اندازهای جدیدی جهت احراز مشاغل مناسبی در دنیای صنعتی خود ارائه دهد و از این تاریخ بود که تکنیک مشاوره شغلی رایج گردید . بنظر پارسون عواسلی که بهنگام انتخاب شغل میتواند بفرد کمک کنند عبارتند از :

۱ - اطلاعات در باره خصوصیات مشاغل مختلف و ۲ - اطلاعاتی در باره حدود استعداد های فرد . و وظیفه مشاور اینست که هر دو دسته این اطلاعات را گردآوری کند و در دسترس فرد بگذارد و باو یاری کند تا از آنها تا سر حد امکان استفاده نماید . طی سالهای متمادی این تکنیک تکامل بیشتری پیدا کرد و مطالعات علمی زیادی را در زمینه انتخاب شغلی موجب گشت که از جمله میتوان ایجاد تستهای مختلف روان شناسی را که بدین منظور تهیه شده اند نام برد تستهایی که بکمک آنها مشاور میتواند استعدادات ذاتی افراد را جهت احراز یک شغل معین، مشخص سازد .

تاریخچه دوم مشاوره شغلی مربوط میشود بسالهای اول شروع نخستین جنگ بین الملل و بخصوص با وارد شدن دولت آمریکا به جنگ و اعلام بسیج عمومی . در آن زمان چون داوطلبان بشرکت در ارتش تعدادشان بیشتر از حد نصاب احتیاج بود بنابراین دولت آمریکا تصمیم گرفت با ایجاد وسیله ای مستعدترین و بهترین سربازان را جهت احراز مشاغل مختلف ارتش انتخاب کند و در نتیجه تستهای مداد و کاغذی بوجود آمدند . و استفاده از اینگونه تستها بود که بارتش آمریکا امکان میداد استعدادات داوطلبان را بیوتنه نقد و بررسی گدازند و با هوشترین افراد را از میان آنان انتخاب کنند . پس از خاتمه جنگ از